

فصل‌نامه علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال پنجم، شماره یازدهم، پاییز ۱۴۰۱ (۱۹-۴۰)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/JMZF.2022.291464.1077

DOR: 20.1001.1.26453894.1401.5.11.1.5

## نگاهی به بن‌مایه‌های تشخیص‌یافته آیین‌های ازدواج در داستان‌های عامیانه لامرد\*

زیبا اسماعیلی<sup>۱</sup>، ابوالحسن خرم‌دل<sup>۲</sup>

### چکیده

ازدواج و بن‌مایه‌های مربوط به آن در ادبیات عامیانه تمام سرزمین‌ها و اقلیم‌ها وجود دارد؛ اما با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی هر منطقه، مؤلفه‌های آن تغییر می‌کند. این بن‌مایه‌ها در ادبیات عامیانه منطقه لامرد بازتاب زیادی دارد که نشان از اهمیت سنت ازدواج و آیین‌های مربوط به آن در این منطقه جغرافیایی دارد. پژوهندگان ضمن بررسی ۸۳ داستان عامیانه منطقه لامرد با روش توصیفی - تحلیلی به بن‌مایه‌های ازدواج و میزان پراکندگی هر بن‌مایه در داستان‌های عامیانه این جغرافیای انسانی پرداختند. از نتیجه تحقیق چنین برمی‌آید که ۲۴ داستان دارای بن‌مایه‌های آیینی ازدواج است که از میان آن‌ها، بن‌مایه‌هایی چون تعیین آزمون و شروط برای ازدواج، ازدواج از طریق جست‌وجوی نشانه‌ها، سفر قهرمان قصه برای همسریابی، مخالفت پدر یا برادر دختر با ازدواج، ازدواج انسان با غیر انسان، علاقه‌مند شدن دختر یا پسر پادشاه به فردی از طبقه پایین جامعه، جابه‌جایی عروس با دختری دیگر، انتخاب همسر با پرتاب کردن میوه و آزادی دختران در انتخاب همسر در این داستان‌ها تکرار شده است. از میان این بن‌مایه‌ها، علاقه‌مندی دختر یا پسر پادشاه به فردی از طبقه پایین و ازدواج انسان با غیر انسان پُربسامدترین بن‌مایه و انتخاب همسر با پرتاب میوه، کم‌بسامدترین بن‌مایه محسوب می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** داستان عامیانه، لامرد، بن‌مایه، ازدواج.

---

\* این مقاله پیش از تغییر وضعیت و تغییر حوزه کاری فصل‌نامه مطالعات زبان فارسی دریافت شده است.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

esmaeili.ziba@sru.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

abolhasankhoramdel@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

## ۱. مقدمه

داستان‌های عامیانه، برخاسته از فرهنگ، آداب‌ورسوم و آیین‌های ملی مردم یک سرزمین است که تاریخ پیدایش آن، به دوران بسیار دور بازمی‌گردد و به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه نقل شده تا به امروز رسیده است. ادبیات عامیانه از آداب‌ورسومی حکایت می‌کند که با زندگی مردم عجین بوده است. نشانه‌هایی از این آداب‌ورسوم تا روزگار معاصر ادامه پیدا کرده است. ادبیات عامیانه بازتابی از زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم است که خاستگاه مشخصی ندارند و نمی‌توان این نوع ادبی را به منطقه جغرافیایی خاصی محدود کرد؛ از این رو ممکن است ریشه بسیاری از این داستان‌ها یکسان باشد که با روایت‌های متفاوتی بازگو شده‌اند. داستان‌های عامیانه که در مناطق مختلف نقل شده‌اند، می‌توانند بن‌مایه‌های مشترکی داشته باشند. آداب‌ورسوم ازدواج، یکی از مواردی است که در داستان‌ها و قصه‌های عامیانه بسیاری از سرزمین‌ها به گونه‌های مختلفی ذکر شده است. استخراج بن‌مایه‌های ازدواج در داستان‌های عامیانه یک منطقه می‌تواند ابعاد پنهان فرهنگ آن منطقه را هرچه بیشتر آشکار کند.

### ۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

در داستان‌های حماسی ادب ایران با محوریت داستان‌های شاهنامه، بن‌مایه‌های ازدواج بارها پژوهش شده است که نشان‌دهنده میزان اهمیت این موضوع است؛ اما بررسی ازدواج و بن‌مایه‌های آن در ادب عامه، با وجود اهمیتی که دارد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. مطالعه بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه به‌عنوان عناصر تکرارشونده و تشخیص یافته، تأکیدات فرهنگی و اجتماعی اقوام مختلف را هرچه بیشتر آشکار می‌کند. در داستان‌های منطقه لامرد - که عسگری و نوبخت گردآوری کرده‌اند - عناصر تشخیص یافته، ریشه در فرهنگ مردم این منطقه دارد. بخشی از این عناصر به ازدواج و آیین‌های آن مربوط است. بازیابی و تشخیص این عناصر در شناساندن فرهنگ عامه این منطقه ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش بر آن است تا پاسخی برای پرسش‌های زیر بیابد:  
- مهم‌ترین بن‌مایه‌هایی که در ادبیات عامیانه منطقه لامرد بازتاب یافته است، کدامند؟  
- کدامیک از بن‌مایه‌های ازدواج در داستان‌های عامیانه منطقه لامرد، بسامد بیش‌تر یا کم‌تری دارد؟

### ۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

بررسی آیین‌های ازدواج در آثار رسمی، بارها موردتوجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این پژوهش‌ها اغلب گزارش‌هایی از ازدواج و آیین‌های آن ارائه شده است؛ اما در موضوع بررسی بن‌مایه‌های ازدواج در داستان‌های عامیانه مناطق مختلف تاکنون هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. استان فارس از نظر داشتن داستان‌های متنوع، یکی از غنی‌ترین منطقه‌های جغرافیای انسانی محسوب می‌شود؛ از این رو بررسی بن‌مایه‌های ازدواج در ادبیات عامیانه منطقه لامرد ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳-۱. پیشینه تحقیق

بن‌مایه‌های ازدواج در ادبیات عامیانه منطقه‌های مختلف، با وجود اهمیت بسیار آن، چندان موردتوجه پژوهشگران قرار نگرفته است. با جست‌وجو در منابع اطلاعاتی مانند نورمگز، مگیران و ایرانداک مشخص شد که تاکنون، هیچ پژوهشی بن‌مایه‌های ازدواج را در قصه‌های عامیانه بررسی نکرده است. در میان مقاله‌های موجود در این زمینه، تنها یک مقاله تا حدودی به موضوع این مقاله نزدیک است: چند بن‌مایه و آیین مهم ازدواج در ادب حماسی ایران (با ذکر و بررسی برخی نمونه‌های تطبیقی)، دکتر سجاد آیدنلو، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۶۰- بهار ۱۳۸۷. نویسنده در این مقاله بن‌مایه‌های ازدواج را در آثار حماسی بررسی کرده است. از این رو تحقیق حاضر دارای نوآوری است.

## ۲. بحث و یافته‌های تحقیق

### ۱-۲. تعریف بن‌مایه

بن‌مایه اصطلاحی وضع‌شده در برابر موتیف (Motif) انگلیسی است (داد، ۱۳۷۵: ۳۵۹). بن‌مایه، بخش‌ها و عناصری از اثر ادبی است که به‌صورت مکرر در آثار هم‌ردیف تکرار می‌شود و این تکرار بر مفهوم آن تأثیر می‌گذارد. یکی از ویژگی‌های بن‌مایه، تکرار شدن است که در کنار تأثیر و تأکید بر معنی، نقش آن را تکمیل می‌کند. در حقیقت بن‌مایه، عناصری از آثار ادبی است که «در اثر ادبی معین یا مجموعه‌ای از آثار ادبی به‌صورت دلالت‌آفرین و پیاپی تکرار شود» (پاینده، ۱۳۹۳: ۳۷۳). تکرار و دلالت‌آفرینی وجه اشتراک بن‌مایه‌ها در آثار ادبی شناخته می‌شود. «بن‌مایه دقیقاً متکی به تأثیر حاکمی است که اثر را در جهت هماهنگی و یکپارچگی پیش می‌برد» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۶۱۵). بن‌مایه، یک مفهوم، یک تصویر، یک رویداد یا یک کهن‌الگو است که در داستان تکرار می‌شود و به غنای زیبایی‌شناختی اثر می‌افزاید (رک: مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۸۱). بن‌مایه به «تصویر و شکل تپیک تشخص‌یافته در یک داستان اطلاق می‌شود؛ یعنی نقش پایه‌ای یا درونی عناصر مختلف داستان» (فلکی، ۱۳۸۲: ۹). در تعریف‌های متفاوت از بن‌مایه بیشتر صاحب‌نظران بر ویژگی «تکرار شونده‌گی» و «تشخص یافتگی» تأکید دارند.

پارسا نسب در تعریف این اصطلاح به هر دو عنصر تکرار و تشخص توجه کرده است: «بن‌مایه‌های داستانی عناصر ساختاری معنایی از نوع کنش، اشخاص، حوادث، مفاهیم، مضامین، اشیاء، نمادها و نشانه‌ها در قصه است که بر اثر تکرار به عنصری تپیک و نمونه‌وار بدل شده است» (پارسا نسب، ۱۳۸۸: ۲۳). از آنجا که صفت تکرار شونده‌گی یکی از ویژگی‌های برجسته بن‌مایه‌ها است، بن‌مایه‌های مشترک می‌تواند مبنایی برای ارزیابی اثر باشد. این که «قصه‌پرداز تا چه حد از بن‌مایه‌های موجود و تکراری استفاده کرده و یا تا چه اندازه توانسته است داستانی بسازد که عناصر آن، بن‌مایه داستان‌های

دیگر شود، می‌تواند مبنایی بر داوری برای حدّ هنرمندی وی و تعیین ارزندگی‌های داستان باشد» (سلدن رامان، ۱۳۶۸: ۱۶۰).

ازدواج در ادبیات عامیانه فارسی، از بن‌مایه‌های اصلی و پرتکرار است. مهم‌ترین بن‌مایه‌هایی که در ادبیات عامیانه منطقه لامرد بازتاب یافته است، عبارت‌اند از: تعیین آزمون و شروط برای ازدواج، ازدواج از طریق جست‌وجوی نشانه‌ها، سفر قهرمان قصه برای همسریابی، مخالفت پدر یا برادر دختر با ازدواج، ازدواج انسان با حیوان یا غیر انسان، علاقه‌مند شدن دختر یا پسر پادشاه به فردی از طبقه پایین جامعه، جابه‌جایی عروس با دختری دیگر، عشق‌ورزی با پرتاب کردن میوه و آزادی دختران در انتخاب همسر.

## ۲-۲. تعیین آزمون و شروط دشوار برای ازدواج

آزمون ازدواج، سنتی دیرینه است که در بسیاری از داستان‌ها و قصه‌ها بازتاب یافته است و مختص فرهنگ و آداب‌ورسوم منطقه خاص یا کشوری به‌خصوص نیست. این آزمون‌ها، از طرفی برای سنجش خواستگاران است و از طرفی دیگر، برای گوشزد کردن به خواهندگان که ارزش گوهری را که به طلبش آمده‌اند، بدانند و با طی کردن مراحل سخت و دشوار و بازی با جان خویش، مردانه در میدان مبارزه بایستند و شایستگی‌های خود را نشان دهند تا به افتخار ازدواج با دختر شاه نائل آیند و چنانچه از عهده آزمون‌ها برنیایند، باید دست از جان بشویند و آرزوهای خویش را به گور سپارند. «منظور از این آزمون‌ها، اطمینان از شایستگی خواستگاران و مهم‌تر از آن، مطابق این باور زن‌سالارانه که ازدواج با دختر شاه، سبب پادشاهی داماد خواهد شد، تأیید توانایی‌های شه‌ریار آینده بوده است» (آیدنلو، ۱۳۸۷: ۲).

آزمون‌های ازدواج در داستان‌های حماسی - پهلوانی منثور ادب فارسی برخاسته از سنت‌های حماسی - پهلوانی ایران و جهان بوده است، «بعد اجتماعی نیز با این سنت هماهنگ است» (جعفرپور، ۱۳۸۹: ۶-۸). زمانی که دختر پادشاه، در میان انبوه

خواستگاران محصور می‌شود، آزمون‌هایی را تعیین می‌کند و شروطی را می‌گذارد که تنها یک نفر از میان آن‌ها بتواند پرچم پیروزی را به اهتزاز درآورد. «قهرمان زن در میانه شماری از خواستگاران محصور شده است، آزمون دشواری پیش پای همه می‌گذارد و آن را که پیروز از این آزمون بیرون می‌آید، برمی‌گزیند و دیگران زندگی خود را از دست می‌دهند» (فرای، ۱۳۸۴: ۹۱-۹۲). این آزمون‌ها در قصه‌های عامیانه نیز وجود دارند. در داستان‌های عامیانه لامرد، آزمون‌های ازدواج، رقابتی بین همه اقشار اجتماعی است و منحصر به طبقه خاصی نیست. رقابت برای دست یافتن به دختر پادشاه برای همه امکان‌پذیر است تا جایی که پسری دوره‌گرد یا پسر خارکنی فقیر و مانند آنان برای دست یافتن به دختر آرزوهایش، در آزمون ازدواج شرکت می‌کند.

«نبرد با اژدها و نجات دختر» یکی از آزمون‌های پرتکرار در داستان‌های عامیانه است. در داستان عامیانه «شماره ۴۸»، پادشاه اعلام کرده است که اگر کسی بتواند دخترش را از چاهی که هفت اژدها در آن زندگی می‌کنند نجات دهد، دخترش را به ازدواج او درمی‌آورد و از ثروت بی‌نیازش می‌کند. پسر دوره‌گردی برای نجات دختر پادشاه به داخل چاه می‌رود. «پسر دوره‌گرد» بعد از سقوطش به هفت طبقه زیر زمین در مسیر خود اژدهایی که راه آب رودخانه را مسدود کرده است، می‌کشد و دختر قربانی و مردم روستا را نجات می‌دهد (عسکری و نوبخت، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۷).

در داستان «پیرزن نق‌نقو» مردی که اژدهایی را از دست پیرزن درون چاه نجات داده است، با طرح نقشه قبلی با اژدها و حمله ساختگی اژدها به دختر پادشاه، موفق می‌شود دختر پادشاه را از دست اژدها نجات دهد و با او ازدواج کند (همان: ۱۱۶). در ادامه همین داستان، شرط نجات دختر پادشاه مغرب از دست اژدهایی که به دورش پیچیده است، برای ازدواج با آن دختر تکرار می‌شود (همان).

«نبرد با دیو» یکی دیگر از آزمون‌های ازدواج در داستان‌های لامرد است. در این داستان‌ها گاهی دیوها سه سر و گاهی هفت‌سر دارند که قهرمان‌های داستان گاه آن‌ها

را غافلگیر می‌کنند و در ازای بخشیدن جانشان، آن‌ها را به خدمت خود درمی‌آورند، گاه شیشه‌ی عمرشان را به دست می‌آورند، رام و مطیعشان می‌کنند، گاه بدون جلب‌توجه دیوها، با انجام دادن کار خویش از کنار دیوها عبور می‌کنند و گاه چاره‌ای جز مواجهه و پیکار برایشان باقی نمی‌ماند و با قطع کردن سرهایشان بر آن‌ها غلبه می‌کنند.

در داستان «شماره ۵۰» پادشاه شرط ازدواج دخترش را پیروزی بر دیوی سه سر - که در هفت اتاق تودرتو پنهان کرده است - تعیین می‌کند که قهرمان موفق به کشتن دیو می‌شود. «پادشاه، دیو را توی هفت تا اتاق کرد و در آن را قفل کرد و کلید هم به او داد و به او گفت: خودت برو» (همان: ۱۳۴).

در داستان «پیرمرد و سه پسر عاشق» پسر قهرمان داستان در راه رسیدن به اسب سیمین و شمشیر زرین که شرط ازدواج است، سه دیو را به خدمت خود درمی‌آورد و ازدهایی هفت‌سر را که داخل چاه زندگی می‌کند از پای درمی‌آورد و مادر دیو را نیز می‌کشد (همان: ۱۴۸).

«خوردن نمک» که برخاسته از آداب و رسوم مردم منطقه لامرد است، یکی دیگر از آزمون‌های ازدواج در قصه‌های این منطقه است. در داستان «پسر خارکن»، پادشاه شرط ازدواج با دخترش را خوردن یک گونی نمک اعلام می‌کند. شرطی که کسی از عهده انجام دادن آن بر نمی‌آید؛ اما قهرمان داستان با استدلالی به‌جا و به‌هنگام هم خود را از مرگ می‌رهاند و هم به دختر مورد علاقه‌اش می‌رسد (همان: ۵۱).

در مواقعی که پادشاه راضی به ازدواج دخترش نیست، با گذاشتن شروط پی‌درپی و دشوار سعی می‌کند، خواستگار را از میدان بیرون کند یا در این راه هلاکش کند. در داستان «شماره ۶۲» پادشاه برای ازدواج دخترش، آوردن استخوان فیل، ماندن در چشمه آب سرد در هنگام زمستان از شب تا صبح، دعوت از تمام درباریان را شروط خود برای ازدواج دخترش تعیین می‌کند (همان: ۱۷۷).

در داستان «شماره ۵۰» نیز پادشاه به ازدواج دخترش با قهرمان داستان راضی نیست؛ بنابراین با گذاشتن شرایطی دشوار می‌خواهد در مقابل او سنگ‌اندازی کند تا او به هدفش دست نیابد و از ادامه مسیر بازماند. شاه برای ازدواج، «جنگیدن با دیو سه سر»، «آوردن همیزم از تنگه‌ای که جایگاه شیر، دیو و پلنگ است»، «آوردن مادیان چهل کره» و «آوردن برادر خود» را به‌عنوان شروط ازدواج تعیین می‌کند (همان: ۱۳۴). در داستان «پیر مرد و سه پسر عاشق»، پادشاه «آوردن اسب سیمین و شمشیر زرین» را به‌عنوان شرط تعیین می‌کند. «پادشاه گفت: هرکسی برود اسب سیمین و شمشیر زرین بیاورد، من دختر رو به همون می‌دم» (همان: ۱۴۳)؛ اما انجام دادن این شرط مستلزم عبور از مراحل «جنگیدن با دیو هفت‌سر داخل چاه»، «گذشتن از هفت دروازه داخل چاه» و «کشتن مادر دیو» است (همان: ۱۴۸-۱۴۹).

تعیین شروط دشوار برای خواستگار همیشه برای انتخاب فردی شایسته نبوده است. در مواردی برای ناامید کردن یا نابود شدن خواستگار بوده است. در بسیاری از داستان‌ها، تعیین شرط ازدواج با تهدید به کشته شدن در صورت موفق نشدن در انجام دادن شرط همراه است. این مسئله جزء جدانشدنی تعیین شرط برای ازدواج در داستان‌ها است. در داستان «پسر خارکن» پادشاه می‌گوید: «اگر نتوانستی شرط ازدواج را به‌جا بیاوری، سرت را از دست خواهی داد» (همان: ۵۲). در داستان «پیر زن نق‌نقو» هم پادشاه شرط ازدواج دخترش را نجات دخترش از دست اژدها می‌داند و در صورتی که خواستگار از عهده این کار برنیاید، کشته خواهد شد (همان: ۱۱۶).

## ۲-۳. ازدواج از طریق جست‌وجوی نشانه‌ها

در داستان‌ها و قصه‌های بسیاری ازدواج با جست‌وجوی نشانه‌های بازمانده از دختر صورت می‌گیرد. قهرمان داستان - که معمولاً شاهزاده است - از روی تصویر، تار مو یا لباس دختر یا شنیدن وصف او، عاشق و دل‌باخته می‌شود و سعی در یافتن آن دختر می‌کند. عاشق شدن شاهزاده با دیدن نشانه‌ای از دختر، بن‌مایه مشترک بسیاری از



منظومه‌های داستانی کهن است و یکی از ویژگی‌های عشق در ادبیات سنتی شمرده می‌شود (رک: بیات، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

لنگه‌کفش یکی از نشانه‌هایی است که شاهزاده داستان با یافتن آن به جست‌وجوی دختر صاحب کفش می‌پردازد و پس از یافتن دختر، با او ازدواج می‌کند. این نوع بن‌مایه در سه داستان «دختر خارکن»، «داستان شماره ۳۲» و «کچل‌گی مرغی» از قصه‌های محلی و عامیانه لامرد دیده می‌شود (رک: عسکری و نوبخت، ۱۳۹۰: ۳۵، ۹۴ و ۲۲۸). در داستانی دیگر «موی بلندی» که از رودخانه گرفته شده است، یکی از نشانه‌ها برای یافتن دختری زیبارو است (همان: ۲۱۷).

#### ۲-۴. سفر قهرمان قصه برای یافتن همسر مناسب

در بسیاری از داستان‌های عامیانه، قهرمان داستان برای رسیدن به آرزوهایش، آغاز به سفر می‌کند. این سفر یا برای انجام دادن شروطی است که از طرف دختر یا پدر دختر تعیین شده است یا قهرمان قصه برای یافتن دختر مورد علاقه خود آغازگر سفری پرمخاطره می‌شود. در این سفر پرفرازونشیب شاید ضروری باشد که با دیو، اژدها، شیر و پلنگ پنجه در پنجه افکند یا اینکه سر در چاهی کند که او را به هفت طبقه زیر زمین بکشاند و این سیروسفر لازمه رسیدن و پیوند است.

در «قصه نارنج و ترنج» قهرمان قصه - که شاهزاده‌ای است - پس از دعای پیرزنی در حق او در خصوص یافتن دختر نارنج و ترنج، برای دست یافتن به دختر نارنج و ترنج، راهی سفر می‌شود و با راهنمایی چند چوپان و عبور از مراحل مختلف، دختر نارنج و ترنج را می‌یابد. دختری که در دل قصه‌ها نشسته است و برای به فعل درآوردنش، باید از گل‌های درختی چید که در کنارش دیو و فرزندانش خانه دارند و با ریخته شدن این گل‌ها در آب، دختر نارنج و ترنج روی می‌نماید. شاهزاده قصه، با گذشتن از این مراحل، دختر زیباچهر نارنج و ترنج را به چنگ می‌آورد؛ ولی در ادامه داستان کنیزی بدسیرت او را می‌رباید و خونش را می‌ریزد. سرانجام پس از اتفاقاتی

وصال روی می‌نماید. نکته‌ی حائز اهمیت در این داستان این است که شاهزاده با دعای پیرزنی برای او، مبنی بر دست یافتن به دختر نارنج و ترنج به فکر سفر می‌افتد (همان: ۲۲۰).

در داستان «پیرمرد و سه پسر عاشق»، سه پسر پیرمرد که هم‌زمان عاشق دختر پادشاه شده‌اند، برای همسریابی راهی سفر می‌شوند و مسیر پرنشیب‌وفرازی را طی می‌کنند و از میان آن‌ها پسر کوچک‌تر با به خدمت گرفتن دیوها، کشتن دیو هفت‌سر و مادرش، بردن شرط پیرزن و به دست آوردن اسب سیمین و شمشیر زرین موفق به ازدواج می‌شود (همان: ۱۴۴).

## ۲-۵. مخالفت پدر یا برادر دختر با ازدواج

در بسیاری از داستان‌ها، در راه رسیدنِ دو دل‌داده به هم موانعی وجود دارد. گاه این موانع، شرط‌ها و درخواست‌هایی است که از طرف دختر یا پدر دختر مطرح می‌شود که عاشق بر آن‌ها چیره می‌شود و به دلدار خویش می‌رسد؛ اما آنچه در راه دشوار می‌نماید، مخالفت پدر یا برادر با ازدواج آن‌ها است که کار را پیچیده و دشوار می‌کند و عرصه بر هر دو طرف ماجرا تنگ می‌شود. گاه این مخالفت، خود را در تعیین شرایط پی‌درپی و دشوار از طرف پدر نشان می‌دهد و گاه دختر نظر خود را به کرسی می‌نشانند و پیروز میدان می‌شود؛ اما مجبور به جلای وطن می‌گردد.

در داستان «شماره ۴۸» با این‌که پادشاه شرط ازدواج دخترش را نجات او از چاه پر از اژدها تعیین می‌کند، باز هم حاضر به ازدواج دخترش با یک پسر دوره‌گرد نیست و او را در همان چاه رها می‌کند تا هرگز نتواند به دخترش دست یابد (همان، ۱۲۶).

در داستان «شماره ۵۰» خواستگار فردی معمولی است و پادشاه راضی به ازدواج او با دخترش نیست و با گذاشتن شروط سخت و متعدد، درصدد ناکام گذاشتن خواستگار (محمدشاه) برمی‌آید (همان، ۱۳۳).

ناراضی بودن پادشاه از ازدواج دخترش با فردی معمولی در داستان «شماره ۶۲» نیز دیده می‌شود. در این داستان هم نارضایتی پادشاه در قالب تعیین شروط سخت و متعدد بروز می‌یابد و پادشاه با تعیین این شرایط امید دارد که خواستگار شکست بخورد یا در این راه کشته شود. «پادشاه به وزیرش گفت: او این کار را هم توانست انجام دهد، چیزی بگو که او نتواند آن را انجام دهد یا در این راه کشته شود» (همان: ۱۷۷).

در داستانی دیگر، دختر خانواده‌ای به خاطر پیدا شدن موی بلند او از رودخانه برای همسری پسر پادشاه انتخاب شده است، برادر دختر راضی به ازدواج آن‌ها نیست، به همین دلیل مادر و دختر او را به چاه می‌اندازند (همان: ۲۱۷).

در داستان «دیو» دیوی عاشق دختری می‌شود و مخفیانه، به‌دوراز چشم برادر دختر، با او ازدواج می‌کند. برادر که سرپرست خانواده است، از ازدواج مخفیانه خواهرش با دیو بی‌خبر است. خواهر بعد از به دنیا آوردن فرزندی از دیو، نقشه قتل برادر را می‌کشد و فرزندشان جان دایی را نجات می‌دهد و پدر و مادر خود را می‌کشد (همان: ۷۷).

## ۲-۶. ازدواج انسان با غیر انسان (حیوان، جن یا پری)

یکی از بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه، ازدواج با غیر انسان است. در این نوع ازدواج‌ها یکی از طرفین ازدواج در کالبد اژدها، دیو، شیر، مار و مانند آن ظاهر می‌شود. در داستان‌های عامیانه سایر مناطق ایران و همچنین سایر کشورها نیز این بن‌مایه بسامد زیادی دارد. ظاهر شدن همسر به شکل حیوان، نشانه‌ای از اسطوره «حیوان داماد» است که بسته به نوع آداب و رسوم و سنت‌ها، دین و منطقه جغرافیایی و ... در شکل‌های مختلف ظاهر می‌شود؛ اما ساختار اصلی این قصه‌ها یکسان است.

بتلهایم درباره قصه‌های «حیوان داماد» چنین می‌نویسد: «در ادبیات مربوط به قصه‌های پریان، این قصه‌ها به حیوان داماد یا حیوان شوهر شهرت یافته است. در

قصه‌هایی که زن، به‌منزله همسر آینده، در آغاز حیوان است به حیوان عروس شهرت دارند» (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۴۸-۳۴۹). «پیکرگردانی حیوان داماد به انسان پس از ازدواج و نجات یافتن با عشق، وجه مشترک قصه‌های حیوان داماد است که آن‌ها را از گونه‌های روایی دیگر متمایز می‌کند» (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

این بن‌مایه در بسیاری از داستان‌های لامرد دیده می‌شود. در داستان «بچه خرس» مردی که راهش را گم کرده است، شب‌هنگام به غاری پناه می‌برد و در آن غار با خرسی ازدواج می‌کند و صاحب فرزند می‌شود (رک: عسکری و نویخت، ۱۳۹۰: ۷۴). در این قصه با مسئله «حیوان عروس» مواجه هستیم. در داستان دیگری به نام «خرس علی محز» بازهم ازدواج با یک خرس موضوع داستان است؛ اما این بار داماد، حیوان است. خرسی، دختر تنبل پادشاه را می‌دزدد و با او ازدواج می‌کند و صاحب فرزند می‌شوند (همان: ۲۰۱).

در داستان «شیرزاد» پیرمرد هیزم‌فروش توان فرار از دست شیر را ندارد و مجبور به هم‌خوابگی با شیر می‌شود؛ زیرا شیر فقط در صورت ازدواج با یک انسان، بچه سالم به دنیا می‌آورد (همان: ۱۶۴). در داستان «خارکن و هفت دختر» و «بی‌بی جون» این ماجرا به شکل دیگری اتفاق می‌افتد. در این دو داستان، دختران برای فرار از دست دیو، خود را در پوست سگ پنهان می‌کنند. این دختران حیوان نبوده‌اند یا انسانی نبوده‌اند که با نفرین، دعا یا جادو به حیوان تبدیل شده باشند؛ بلکه انسان‌هایی بوده‌اند که به اختیار خود تغییر شکل داده‌اند. این دو داستان از این نظر با سایر داستان‌ها تفاوت دارند. از طرفی دیگر، شباهت آن‌ها در این است که نوعی پیکرگردانی پس از ازدواج در آن‌ها دیده می‌شود، به‌این‌ترتیب که این دو دختر زمانی که شاهده به خواستگاری آن‌ها می‌آید و با آن‌ها ازدواج می‌کند، مجبورند هویت واقعی خود را نشان دهند و از پوست سگ خارج شوند (همان: ۵۹ و ۲۰۷-۲۰۸).

در داستان‌های بی‌بی جون، خارکن و هفت دختر، دخترها در پوست سگ پنهان شده‌اند و برای انجام دادن کارها از پوست بیرون می‌آیند و دوباره به آن بازمی‌گردند و زمانی که شاهزاده متوجه ماجرا می‌شود و با آن‌ها ازدواج می‌کند، به کلی پوست سگ را کنار می‌گذارند و به هویت اصلی خودشان برمی‌گردند. در داستان «بی بی جون» پدر دختر - که برای آوردن مروارید رفته است - گرفتار دیو می‌شود و مجبور می‌شود به ازدواج دیو با دختر کوچکش رضایت بدهد. دختر برای فرار از دست دیو به ناچار خود را در پوست سگ پنهان می‌کند تا اسیر دیو نشود (همان، ۲۰۷).

در داستان‌های عامیانه «بچه خرس»، «خرس علی محز» و «دیو»، داماد یا عروس حیوانی است که تا پایان داستان تبدیل و تغییر شکلی در هویتشان صورت نمی‌گیرد و به انسان تبدیل نمی‌شوند. این ویژگی بنابر نظر بتلهایم شاخصه قصه‌های حیوان داماد است (رک: بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۴۹).

حیدری و همکارانش معتقدند «در وضعیت پیکرگردانی، همیشه داماد تغییر هویت نمی‌دهد و در بسیاری از نمونه‌ها، داماد تا آخر قصه به شکل حیوان باقی خواهد ماند؛ خواه زندگی مشترک او با عروس ادامه پیدا کند یا به هر دلیل آن زندگی مشترک از بین برود» (رک: حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴). چنان‌که در داستان‌های «بچه خرس» «خرس علی محز» و «دیو» می‌بینیم که تغییر و دگرگونی در شخصیت حیوان داستان رخ نمی‌دهد؛ اما در داستان «بی بی جون» و «خارکن و هفت دختر» این تحوّل و دگرگونی را شاهد هستیم و دختران قصه از پوست سگ برای همیشه خارج می‌شوند. در داستان «ملک جمشید»، پادشاهی همسر و پسرش را از خانه بیرون می‌کند و آن‌ها در خانه‌ای مستقر می‌شوند که متعلق به دیوی است، دیو کم‌کم با زن بنای دوستی می‌گذارد و زن را باردار می‌کند و پسر زن را از خانه دور می‌کند. فرزند بعد از بزرگ شدن برمی‌گردد و به کمک برادر، دیو و مادرش را می‌کشد (رک: عسکری و نوبخت، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۴۶). در داستان «دیو» نیز فرزند دیو، پدر و مادرش را می‌کشد. در داستان

مهیا، با ازدواج انسان با یک پری مواجه هستیم؛ هنگامی که قهرمان داستان با بقچه‌ای پر از آهن به‌طور اتفاقی، وارد مراسم عروسی جن‌ها می‌شود و به رقص و پای‌کوبی می‌پردازد، جن‌ها از او می‌خواهند بقچه‌اش را به زمین بیندازد و مهیا هم آن را به زمین می‌اندازد. با افتادن آهن‌ها به زمین، همه جن‌ها فرار می‌کنند و فقط پری که عروس بود، باقی می‌ماند. مهیا با اصرار زیاد موقتاً به ازدواج با او می‌شود و صاحب سه فرزند می‌شوند (همان: ۱۶۰-۱۶۱).

## ۲-۷. علاقه‌مند شدن دختر یا پسر پادشاه به فردی از طبقه پایین جامعه

علاقه‌مندی پسری از طبقه فرودست به دختر پادشاه یا علاقه‌مندی پسر پادشاه به دختری از مردم عادی یا فقیر، بن‌مایه مشترک بسیاری از قصه‌های عامیانه است. در داستان پسر خارکن پسری از طبقه ضعیف جامعه به دختر پادشاه ابراز علاقه می‌کند و به خواستگاری او می‌رود (همان: ۵۲). در داستان «ملک محمد»، پسر پادشاه، دل‌باخته دختر خارکن می‌شود که در بچگی همبازی او بوده است و از پدرش می‌خواهد که به خواستگاری او برود (همان: ۸۷). در داستان «دختر خارکن» شاهزاده‌ای، عاشق دختر خارکن می‌شود و از او خواستگاری می‌کند (همان: ۳۶). در داستان «خارکن و هفت دختر» پسر پادشاه، عاشق دختر خارکن می‌شود (همان: ۵۵).

در داستان «گره ابر و باد» دختران پادشاه در انتخاب همسر، آزادی عمل دارند که همسران خود را با پرتاب پرتقالی به سمت ایشان انتخاب کنند. دختر کوچک هیچ‌یک از افرادی را که برای همسری او انتخاب شده‌اند، نمی‌پذیرد و عشق خود را به یک فرد معمولی به نام ملک محمد (کچل کله‌پاچه‌ای) ابراز می‌کند. «دختر پادشاه پرتقال رو زد توی سینه‌اش. مادر دختر گفت: ما دخترمون رو بهش نمیدیم، اون گداست. پادشاه و زنش هر کاری کردند فایده‌ای نداشت. دخترشون زن کچل کله‌پاچه‌ای شد و رفتن دور از ده زندگی کردن» (همان، ۱۲۲).

در داستان «شماره ۵۰» دختر پادشاه، عاشق جوانی معمولی می‌شود و از او می‌خواهد برای خواستگاری از او پیش‌قدم شود و برای انجام دادن شروط به او کمک می‌کند (همان، ۱۳۳). در داستان «شماره ۴۹» نیز شاهزاده‌ای، عاشق دختری از خانواده‌ای معمولی و از طبقه پایین می‌شود که او را از مرگ نجات داده است و با او ازدواج می‌کند (همان). در داستان «پیرمرد و سه پسر عاشق» نیز فارغ از طبقه و پایگاه اجتماعی، سه پسر پیرمرد عاشق دختر پادشاه می‌شوند و به خواستگاریش می‌روند. «یه پیرمردی سه پسر داشت. در همسایگی پیرمرد یه پادشاهی بود. پادشاه یه دختر داشت. یه روز صبح این دختر رفته بود توی باغ کنار خونشون تفریح بکنه. پسرهای پیر مرد روی بام خونشون نشسته بودن که دختر پادشاه رو دیدن. هر سه نفرشون اومدن پیش پدرشون و بهش گفتن: ما عاشق دختر پادشاه شده‌ایم» (همان: ۱۴۲). در داستان «نسترن» نیز شاهزاده به‌طور اتفاقی نسترن را می‌بیند و به خاطر زیبایی و رعنائی‌اش، فارغ از طبقه و جایگاه اجتماعی‌اش با او ازدواج می‌کند (همان، ۱۷۲).

## ۲-۸. جابه‌جایی عروس با دختری دیگر

بن‌مایه مشترک برخی از داستان‌ها، تلاش فردی برای ایجاد فاصله میان عاشق و معشوق از طریق کشتن یا انداختن در چاه یا قرار دادن خودش یا یکی از نزدیکانش، با نیرنگ و تزویر، به‌جای عروس است. آنچه مسلم است، دیر یا زود این توطئه آشکار می‌شود. در این داستان‌ها فردی تلاش می‌کند جای عروس را عوض کند و به افتخار عروس شاهزاده نائل آید. در داستان «دختر خارکن» که به‌عنوان عروس شاهزاده انتخاب شده است و همه چیز برای عروسی او و رفتن به قصر پادشاه مهیا است، خاله عروس از روی حسادت، دختر را به چاه می‌اندازد و لباس‌هایش را به دختر خود می‌پوشاند و به‌جای عروس به نزد پسر پادشاه می‌فرستد. شاهزاده با همکاری دختر قهرمان قصه، بالاخره از ماجرا با خبر می‌شود و دستور می‌دهد برای مجازات این دو خیانت‌کار، آن‌ها را به اسب‌های گرسنه ببندند و در صحرا رها کنند (همان: ۳۷).

در داستان «قصه نرنج و ترنج»، کنیزی که برای شستن لباس کنار رودخانه آمده است، تصویر دختر نرنج و ترنج را در آب می‌بیند و با فهمیدن قرار ازدواج دختر نرنج و ترنج با پسر پادشاه، او را می‌کشد و خودش به‌جای او می‌نشیند و در پاسخ پسر پادشاه جویای نرنج و ترنج است، می‌گوید: «من نرنج و ترنج هستم که به خاطر مرگ خواهرانم، زیبایی خود را ازدست‌داده‌ام. پسر پادشاه چراغانی شهر را باز کرد و کنیز را به‌جای نرنج و ترنج به خانه برد» (همان: ۲۲۳).

جابه‌جایی عمدی عروس با شخص دیگر در داستان عامیانه دیگری به نام «قصه ابوالقاسم کو» نیز تکرار می‌شود و باز هم کنیزی به زیبایی ماه‌پیشانی (دختر قهرمان قصه) و عشق بسیار شاهزاده به او، حسادت می‌کند و او را به چاه می‌اندازد و خود در جای او قرار می‌گیرد، قصد فریب شاهزاده می‌کند. دختر قهرمان داستان که از برکه‌ای خاص آب نوشیده و ماهی در پیشانی او به وجود آمده است با پسر شاه ازدواج می‌کند. پسر شاه علاقه زیادی به او دارد و کنیزی برای مراقبت از او قرار می‌دهد. او از پسر پادشاه باردار می‌شود. کنیز به او حسادت می‌کند و زن شاهزاده را به چاه می‌اندازد و لباس‌هایش را می‌پوشد و خودش را به‌جای زن شاهزاده جا می‌زند؛ اما شاهزاده از ماجرا با خبر می‌شود و همسرش را از چاه نامهربانی نجات می‌دهد و برای مجازات کنیز خیانت‌کار، با شمشیر به زندگی‌اش پایان می‌دهد (همان: ۱۸۰).

ورود رقیبی به داستان که تلاش می‌کند جای دختر قصه (معشوق یا همسر شاهزاده) را بگیرد، به نظر کمپبل از ویژگی‌های اصلی قصه‌های بومی و اسطوره‌ای است و آن را «درونمایه تبعید و بازگشت» می‌نامد (رک: کمپبل، ۱۳۸۷: ۳۲۷).

## ۲-۹. انتخاب همسر با پرتاپ کردن میوه

یکی از رسوم عشق‌ورزی و ازدواج که در ادبیات کهن ایران و جهان سابقه‌ای طولانی دارد، اظهار عشق و علاقه با دادن یا فرستادن میوه است. در داستان «کره ابر و باد» هفت دختر پادشاه با پرتاب کردن پرتقال به سمت همسر مورد علاقه‌شان، به آن‌ها



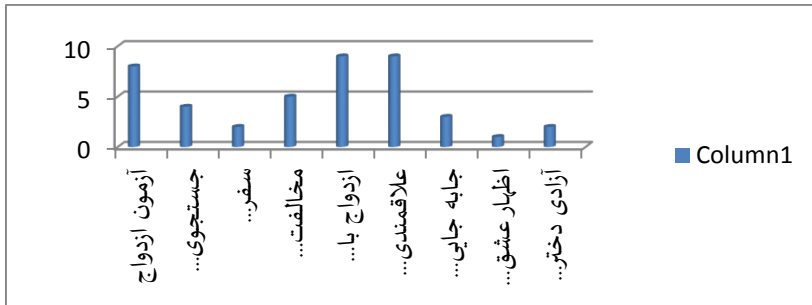
اظهار عشق می‌کنند (رک: عسکری و نوبخت، ۱۳۹۰: ۱۲۲). پرتقال یادآور ترنج و نارنج است که در داستان‌های ایرانی به‌صورت پرتکرار به‌کاررفته است. به این صورت که افراد با دادن ترنج یا انداختن آن ابراز علاقه به فرد مورد نظر خود می‌کردند.

## ۲-۱۰. آزادی دختران در انتخاب همسر

در داستان‌های عامیانه، خواستگاری دختر از مرد مورد علاقه‌اش و ابراز عشق به او و همچنین آزادی عمل در انتخاب همسر وجود دارد. زنان جایگاه اجتماعی خوبی دارند، دختران حق ابراز عشق دارند و می‌توانند شریک زندگی خود را آزادانه انتخاب کنند. در برخی داستان‌های عامیانه لامرد، دختران بدون ترس و نگرانی یا اجبار و حتی باوجود مخالفت خانواده، به همسر مورد علاقه خود ابراز عشق می‌کنند و گاه از او خواستگاری می‌کنند. «شاید این مسئله تحت تأثیر آیین‌های جوامع زن/مادر سالار است که به دلیل ارزش اجتماعی برتر و تقدس‌آمیز بودن بانوان، انتخاب در موضوع ازدواج با زنان بوده است» (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ۱۶۷).

در داستان «کره ابر و باد» این انتخاب آزادانه همسر دیده می‌شود. هفت دختر پادشاه در انتخاب همسر خود آزاد هستند و زمانی که دختر کوچک همسری فقیر و از طبقه پایین انتخاب می‌کند، با این‌که پادشاه و همسرش مخالف هستند؛ اما بازهم می‌پذیرند و دختر با مرد مورد علاقه‌اش ازدواج می‌کند (رک: عسکری و نوبخت، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در داستان «شماره ۵۰» دختر پادشاه عاشق پسری جوان از مردم عادی می‌شود و به وی اظهار عشق می‌کند و به او برای اجرای شروط پادشاه یاری می‌رساند (همان: ۱۳۳).

### نمودار پراکندگی بن‌مایه‌های ازدواج در ادبیات عامیانه لامرد



### ۳. نتیجه‌گیری

داستان‌های عامیانه با فرهنگ، آداب‌ورسوم، آیین‌ها، شرایط اقلیمی و اجتماعی هر منطقه ارتباط مستقیم دارد. بررسی این داستان‌ها، آداب‌ورسوم ریشه‌دار در زندگی مردم هر منطقه را مشخص می‌کند. بررسی بن‌مایه‌های ازدواج در داستان‌های عامیانه لامرد نشان داد که بن‌مایه‌های تعیین‌آموز برای ازدواج، جست‌وجوی نشانه‌ها، سفر قهرمان قصه، مخالفت پدر یا برادر دختر با ازدواج، ازدواج انسان با غیر انسان، علاقه‌مند شدن دختر یا پسر پادشاه به فردی از طبقه پایین جامعه، جابه‌جایی عروس با دختری، انتخاب همسر با پرتاب کردن میوه و آزادی دختران در انتخاب همسر بن‌مایه‌های پرتکرار این داستان‌ها است. نتیجه پژوهش حاکی از میزان پراکندگی این بن‌مایه‌ها در داستان‌های عامیانه به این صورت است: تعیین‌آموز و شروط برای ازدواج در ۸ داستان، ازدواج از طریق جست‌وجوی نشانه‌ها در ۴ داستان، سفر قهرمان قصه برای همسریابی در ۲ داستان، مخالفت پدر یا برادر دختر با ازدواج در ۵ داستان، ازدواج انسان با غیر انسان در ۹ داستان، علاقه‌مند شدن دختر یا پسر پادشاه به فردی از طبقه پایین جامعه در ۹ داستان، جابه‌جایی عروس با دختری دیگر در ۳ داستان، انتخاب همسر با پرتاب کردن میوه در ۱ داستان و آزادی دختران در انتخاب همسر، در ۲ داستان تکرار شده است. از میان این بن‌مایه‌ها، علاقه‌مندی دختر یا پسر پادشاه

به فردی از طبقه پایین و ازدواج انسان با غیر انسان با تکرار در ۹ داستان، پربسامدترین بن‌مایه و انتخاب همسر با پرتاب میوه در ۱ داستان، کم‌بسامدترین بن‌مایه محسوب می‌شود.

## کتاب‌شناسی

### کتاب‌ها

۱. بتلهایم، برونو (۱۳۸۱)، *افسون افسانه‌ها*، مترجم اختر شریعت‌زاده، تهران: هرمس.
۲. پاینده، حسین (۱۳۹۳)، *داستان کوتاه در ایران*، ج ۲، تهران: انتشارات نیلوفر.
۳. داد، سیما (۱۳۷۵)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ دوم، تهران: مروارید.
۴. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۷)، *نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی*، تهران: آگاه.
۵. سلدن، رامان (۱۳۶۸)، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، مترجم عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو.
۶. عسکری، جواد و نوبخت، رضا (۱۳۹۰)، *داستان‌های عامیانه پس‌کرانه‌های خلیج فارس (لامرد)*، قم: عطش.
۷. فرای، نورتروپ (۱۳۸۴)، *صحیفه‌های زمینی*، ترجمه هوشنگ رهنما، تهران: هرمس.
۸. فلکی، محمود (۱۳۸۲)، *روایت داستان (تئوری‌های پایه‌ای داستان‌نویسی)*، تهران: نشر بازتاب نگار.
۹. کمپیل، جوزف (۱۳۸۷)، *قهرمان هزارچهره*، مترجم شادی خسرو پناه، چاپ سوم، مشهد: گل آفتاب.
۱۰. مقدادی، بهرام (۱۳۷۸)، *فرهنگ و اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر*، تهران: فکر روز.
۱۱. میرصادقی، جمال (۱۳۹۴)، *چگونه می‌توان داستان‌نویس شد*، تهران: انتشارات سخن.

### مقاله‌ها

۱. آیدنلو، سجاد (۱۳۸۷)، «چندین بن‌مایه و آیین مهم ازدواج در ادب فارسی/ با ذکر نمونه‌های تطبیقی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، س ۴۱، ش ۱، صص ۱-۲۳.
۲. بیات، حسین (۱۳۸۹)، «محوریت زنان در قصه‌های عامیانه (تحلیل افسانه‌ها به‌مثابه رؤیاهای جمعی زنان)»، فصل‌نامه علمی پژوهشی نقد ادبی، سال ۳، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۸۷-۱۱۵.

۳. پارسا نسب، محمد (۱۳۸۸)، «بن‌مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و ...»، فصل‌نامه نقد ادبی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۷-۴۰.
۴. جعفرپور، میلاد (۱۳۸۹)، «بررسی سبک و گونه‌های ازدواج در سمک عیار (مقایسه برخی گزاره‌ها با رویکرد فمینیستی)»، فصل‌نامه نقد ادبی، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۴۳-۱۷۰.
۵. حیدری، علی و حدّادیان، سمیه و صحرایی، قاسم (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل قصه‌های حیوان داماد»، مجله مطالعات ادبیات کودک، دانشگاه شیراز، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹).
۶. صادقی، محسن (۱۳۹۵)، «بازنمایی اسطوره حیوان داماد در حکایتی صوفیانه»، فصل‌نامه علمی پژوهشی نقد ادبی، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۱۶۵-۱۸۳.

